



۱۵ شوال؛ سالروز وفات حضرت عبدالعظیم  
حسنى عليه السلام تسليت باد.



سال چهارم شماره ۲۳۷ چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۸

[www.hadinews.ir](http://www.hadinews.ir)

کانال معیار در سروش @meyar.pb

## پاسخ به سیاست فشار حداکثری

**ابتکار:** ایران و آمریکا همچنان به اقدام متقابل در چارچوب سیاست «فشار حداکثری» مشغولند. این درحالی است که دوطرف بر پرهیز از جنگ تاکید دارند، ولی ناظران درباره احتمال درگیری «تصادفی» هشدار می‌دهند. ایران در تازه‌ترین اقدام، دوشنبه (۲۷ خرداد) اعلام کرد که در ده روز آینده حجم ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را از سقف ۳۰۰ کیلوگرم بالا می‌برد. این اقدام در پی سرخوردگی از ضرب‌الاجل ۶۰ روزه‌ای بود که برای اعضای گروه ۴+۱ تعیین شد؛ به این امید که دیگر اعضای گروه به تعهدات خود در قبال تامین منافع ایران پس از خروج آمریکا از برجام عمل کنند. دور از انتظار نخواهد بود اگر پس از این نیز شاهد ابتکارهای تازه‌تر در واکنش به سیاست فشار حداکثری باشیم. اقدام ایران با واکنش‌های هشداردهنده از سوی اعضای گروه ۴+۱ همراه شد ولی طی یکسال و اندی پس از خروج آمریکا از برجام، منتقدان این اقدام به دو پرسش روشن پاسخ نداده و واکنش درخور نداشته‌اند؛ اینکه آیا مسبب اوضاع جاری ایران است و یا دولت آمریکا؟ همچنین آیا پس از خروج آمریکا از برجام، منافع ایران را در این توافق بین‌المللی تامین شده است؟ مصداق این مدعا تجارت دوجانبه ایران و اروپا در حداقل سه ماه نخست سال جاری میلادی است. براساس آمار رسمی کمیسیون اروپا، صادرات ایران به این اتحادیه ۸۷.۵ درصد کاهش یافت و به ۲۱۷ میلیون یورو رسید. صادرات اروپا به ایران نیز شاهد کاهش ۵۶ درصدی شده و به حدود یک میلیارد یورو تنزل کرد. در این مدت اروپائیان نشان دادند که نه قادر به مقابله و تنبیه واشنگتن در خروج غیرقانونی از برجام هستند و نه اصولاً برای تامین منافع تضمین شده ایران در برجام، اقدام موثری به عمل آورده‌اند. در واقع تصمیم ایران در کاهش تعهدات برجامی خود، پاسخی است به سستی نه‌تنها اروپائیان بلکه دیگر اعضای گروه ۴+۱ در حفظ آنچه ادعا می‌کنند؛ یعنی ماندگاری برجام.

## مرسی را دوست داشتند سیسی را بیشتر

**کیهان:** زوال مرسی در واقع از ابتدای حکومت وی آغاز شد. انقلاب مصر حسنی مبارک را به زیر کشید و مرسی را به قدرت رساند اما در عمل چیز زیادی تغییر نکرد. اقتصاد مصر که طی دو دهه توسط دستورالعمل‌های صندوق بین‌المللی پول نابود و ورشکسته شده بود، در همان مسیر پیشین حرکت می‌کرد و وابستگی سیاسی و نظامی به آمریکا ادامه داشت. بسیاری از دولتمردان و مقامات ارشد امنیتی و نظامی نیز همان آدم‌های مبارک بودند. هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا زمانی گفته بود من آقای مبارک و همسرش را واقعاً دوست دارم و آنها را از خانواده خود می‌دانم. وقتی خشم مردم مصر، دیکتاتور دوست داشتنی آمریکا را سرنگون کرد، مرسی به جای تجدیدنظر در رابطه با آمریکا، سعی کرد جای مبارک را در فهرست دوستان نزدیک هیلاری بگیرد. اگر قرار بود در بر همان پاشنه بچرخد، چه نیازی به انقلاب بود؟ مشکل اصلی مصر در دوره پسانقلاب عدم استقلال آن بود. قطری‌ها ۵ میلیارد دلار به دولت مرسی کمک کردند و البته دست روی دست بسیار است و حکومت کودتاجی سیسی از عربستان، امارات و کویت وعده کمک ۱۳ میلیارد دلاری گرفت تا آرزوهای آرمان‌های مردم مصر لابلای اسکناس‌های نفتی شیوخ عرب خلیج فارس و دپکته‌های پنتاگون و سیا، گم و گور شود. مسئله مهم دموکراسی و خواست مردم بود. مرسی با تمام ضعف‌هایش برخاسته از صندوق رای و انتخاب مردم بود. چنین روندی در منطقه، برای آمریکایی‌ها و متحدانش سم مهلک است. چه تضمینی وجود داشت که نفر بعد از مرسی، نخواهد در روابط قاهره با واشنگتن و تل‌آویو تجدیدنظر کند و کشورش را به سوی استقلال پیش برد؟ سیسی و حکومت وی اگرچه بزک دموکراسی ندارد و حکومت کودتاست اما در عوض خیال آمریکا و رژیم اسرائیل راحت است. عربستان و امارات نیز نگرانی ندارند که مردم بگویند چرا مصر دولت منتخب دارد و ما نداریم. مردم مصر نیز پس از ۸ سال از قیام خود، چنان خسته و سرخورده هستند که بعید است حالا حالاها بخواهند و بتوانند برای آمریکا و رفقای آن دردسر درست کنند. مصر روزگاری پرچمدار و سرور دنیای عرب بود. چند دهه خیانت حاکمان دست‌نشانده و توطئه‌های آمریکایی-انگلیسی، مصر را از آن جایگاه بسیار دور کرده است. مصر سال‌هاست که در سوگ است اما نه برای مرسی؛ برای آرزوهای بر بادرفته یک ملت.

## شترسواری دولا دولا با ارز ۴۲۰۰

**خراسان:** در شرایطی که قاطبه کارشناسان، بر بلااثر بودن سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی اذعان دارند، طرح دغدغه تصمیم گیران دولت برای حفظ حتی بخشی از این سیاست هاچندان شفاف نیست. در مذمت و آسیب شناسی این سیاست ارزی همین بس که تاکنون گزارش های زیادی منتشر شده است؛ اما برای استحضار مسئولان پایتخت نشین باید عرض کنیم که در ماه های گذشته، هنگامی که اظهارات مسئولان محترم وزارتی و دولتی برای توزیع کالاها به نرخ یارانه ای رسانه ها را پر کرده بود، ما شهرستانی ها که چندان اثر زیادی از این کالاها ندیدیم.

گوشت ۴۰ هزار تومانی، شکر ۴۵۰۰ تومانی، مرغ زیر ۱۰ هزار تومانی (در زمانی که قیمت بازار به بیش از ۱۵ هزار تومان هم رسیده بود) و ... مصادیقی از این دست هستند که هنوز هم که هنوز است برای خیلی ها دست نیافتنی است یا با مشقت های عجیب و غریبی مثل نام نویسی دستی در برخی فروشگاه ها انجام می شود. بنابراین نمی گوئیم نیست، هست، اما مثل «آب هست، اما کم است» هست! شاید اگر نظرسنجی شود، تعداد کمی از مردم بگویند که دستشان به آن رسیده است. شاهد ما هم نظرسنجی فروردین برنامه پایش است که طبق آن اعلام شد ۸۸ درصد مردم گوشت یارانه ای دریافت نکرده اند. تازه بماند که چگونگی توزیع آن در شهرها، این که آیا در مناطق مجاور با اقشار آسیب پذیر بود یا نه هم بحثی است که فهم و ارزیابی آن اصلاً با تهران نشینی و همه مردم را به چوب یک سیاست راندن، قابل درک نیست و جور در نمی آید.

درد آدم آن جایی بیشتر می شود که بعضی خبرهای مشکوک به رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی را می شنود. به استناد تازه ترین بررسی های اتاق بازرگانی تهران، میزان واردات کره از ابتدای امسال تا ۱۸ خرداد به میزان ۳۵ هزار تن یعنی بیش از کل واردات کره در سال قبل بوده و گمانه ها حاکی از این است که احتمالاً برخی با استفاده از رانت های اطلاعاتی، زمزمه های حذف ارز یارانه ای این کالا را شنیده و اقدام به واردات این حجم از کره کرده اند تا با آزادسازی قیمت ها، کلی پول به جیب بزنند. این ها مصادیق دیگری است که نشان می دهد دولت باید فکر جدی تری در قبال یارانه منابع ارزی بکند. از این رو اگر حداقل بخشی از دغدغه مسئولان محترم تورم زایی آزادسازی این ارزهاست، باید عرض کنیم که این موضوع قابل حل است. چرا که همان گونه که گفته شد، همین الان بیشتر نیازهای ما مردم شهرستانی از کالاهای اساسی با نرخ ارز آزاد تامین می شود. از سوی دیگر مطالعات قابل اشاره ای همچون گزارش مرکز پژوهش های مجلس در بهمن سال گذشته، نشان می دهد با حذف ارز ترجیحی واردات کالاهای اساسی برای اقلامی همچون برنج، گوشت دام، گوشت مرغ، تخم مرغ، روغن نباتی، حبوبات، قند و شکر و حتی دارو، اثر تورمی مزاد تحمیل شده بر جامعه زیر ۴ درصد است. ضمن این که سیاست ارز ترجیحی نتوانسته آن چنان سپر مناسبی برای اصابت نکردن تورم به اقشار کم درآمد پدید آورد و در مقابل تورم ۸۵ درصدی کالاهای غیر مشمول ارز ترجیحی، کالاهای مشمول این سیاست، ۵۳ درصد رشد داشته اند. امسال براساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس پیش بینی می شود حدود ۲۳ تا ۴۰ درصد مردم به زیر خط فقر فرو بروند از این رو تکرار سیاست های اشتباه پیشین، دردی از این مردم را دوا نخواهد کرد.



## گزارش روز / بهانه پرتکرار

**بصیرت:** «داشتن قدرت بدون پذیرش مسئولیت» ساده‌ترین و واضح‌ترین تعریف و توصیفی است که می‌توان درباره جریان اصلاحات به کار برد! در حالی که شش سال است دولت مورد حمایت این جریان سیاسی، قوه مجریه را در دست داشته است و بخش اعظمی از بدنه دولت را مدیران اصلاح‌طلب تشکیل داده‌اند و مجلس دهم با تعداد قابل توجهی از نمایندگان اصلاح‌طلب به سال پایانی خود رسیده است، اما این جریان به جای پاسخگویی به مطالبات مردم و توضیح درباره عملکردش، همواره به دنبال توجیه است؛ از خلق بهانه‌های تازه تا تکرار بهانه‌های قدیمی! یکی از بهانه‌های پرتکرار موضوع دولت پنهان یا موازی است که در جدیدترین نمونه «علیرضا علوی‌تبار» در مصاحبه با روزنامه «شرق» گفته است: «باید تأکید کنم که در ایران یک دولت در سایه وجود دارد که باید آن را هم به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم و اساسی به حساب آورد. دولت‌ها گاه در مقابل این دولت سایه مقاومت کرده و ایستاده‌اند و گاه مقابل آن منفعل بوده‌اند.» وی با بررسی رابطه دولت‌های گذشته با آنچه دولت سایه نامیده است، درباره نسبت دولت اعتدال با دولت پنهان گفته است: «دولت اول روحانی اقتناع و مقاومت است و دولت دوم او انفعال و گاه تسلیم است؛» اما خیلی خوش‌خیالانه است که علوی‌تبار و همکارانش خیال کنند با چنین بهانه‌سازی‌هایی می‌توان از دولت سلب مسئولیت کرد! مردم شعارهای انتخاباتی و وعده‌های آقای روحانی، حمایت اصلاح‌طلبان و قول‌های این جریان در انتخابات‌ها را فراموش نکرده‌اند و این جریان سیاسی و حامیانش همچنان باید پاسخ این پرسش را بدهد که اگر چنین موضوعی حقیقت دارد، چرا در زمان انتخابات و زمان رأی گرفتن حرفی از آن به میان نیاورده و مدعی بودند با پیروزی در انتخابات مشکلات را حل خواهند کرد!

## آموزش تحلیل سیاسی / ده سؤال از رهبر انقلاب درباره برجام (۳)

آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی... مشکل حل نمی‌شود... بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضروری نخواهیم کرد. البته بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد.» ۹۲/۸/۱۲

## رسوایی ۲

**وطن امروز:** اما اظهارات نماینده دادستان در جلسه دادگاه دیروز به وضوح ناتوانی مدعیان دروغ‌تقلب در دفاع از ادعای خود و نیز ماهیت و مختصات رفتارهای غیراخلاقی آنها را در طرح این دروغ نشان داد. محمدرضا خاتمی در جلسات دفاعیات خود نه تنها نتوانست حتی چند مورد ساده برای اثبات تقلب در انتخابات ۸۸ بیاورد، بلکه حتی از ارائه اسنادی که «تخلف» در این انتخابات را نشان دهد هم عاجز بود. حالا پس از ماجرای فاجعه‌بار محمدعلی نجفی و دفاع اصلاح‌طلبان از جنایت او، فضاحت محمدرضا خاتمی و اثبات مجدد دروغ‌تقلب در انتخابات ۸۸ در دادگاه دیروز، یک رسوایی جدیدتر برای جریان اصلاحات بود.

نماینده دادستان در اظهارات دیروز خود در دادگاه اظهار داشت: دفاعیات متهم در جلسات قبل، از ادعای تقلب ۸ میلیونی وی به کلی دور بوده و ارتباطی با ادعای وی نداشته است. وی با جست‌وجوی اینترنتی و جمع و تفریق مغشوش آمار، در نهایت مدعی است سرنوشت ۸ میلیون تعرفه مبهم است، این در حالی است که ایشان باید اثبات می‌کرد ۸ میلیون رأی به نفع یک نامزد خاص جابه‌جا شده یا از آرای دیگری کسر شده است. در نتیجه حتی با فرض پذیرش ادعای متهم - که بطلان آن نیز بیان خواهد شد - وی هنوز نتوانسته مدارک و مستنداتی برای استفاده آن به نفع یا علیه یک نامزد خاص ارائه کند. تمام مستمسک متهم ارائه آمارهای غیرقطعی و مقطعی از سوی برخی افراد و رسانه‌ها در زمان انتخابات بوده است. در این باره باید گفت هر فرد در جایگاه خود و بر اساس اطلاعات خود ممکن است به ارائه آمارهای غیررسمی بپردازد که البته دارای اعتبار رسمی و قانونی نخواهد بود اما مرجع رسمی و نهایی فقط یک نهاد است و ارائه آمارهای غیرقطعی و مقطعی توسط افراد دیگر و رسانه‌های خبری فاقد اعتبار قانونی است. درباره انتخابات تنها مرجع اعلام آمار رسمی و قطعی شورای نگهبان است و جز آمار تاییدشده توسط این شورا سایر موارد اعتبار قانونی ندارد.